

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

در قبال جمهوری تاجیکستان طی سالهای (۱۳۹۷-۱۳۷۷)

رضا اوسطی^۱ - فاضل فیضی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳

چکیده:

دیپلماسی فرهنگی که توسط دولت‌ها هدایت می‌شود، با استفاده از ابزار و ظرفیت‌های فرهنگی به عنوان پشتیبان اهداف سیاست خارجی و اهداف دیپلماسی محسوب شده و در واقع استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در روابط خارجی جهت تامین منافع ملی می‌باشد. مقاله حاضر در پی پاسخ به این سوال است که به چه دلایلی علیرغم اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان، دو کشور نتوانستند از این اشتراکات جهت توسعه روابط دو جانبه خود بهره مند شوند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌گردد که علیرغم اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین دو کشور به دلیل رویکرد متفاوت به عنصر سیاست و نحوه حکومت داری در عرصه سیاسی و اجتماعی، در نتیجه اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین دو کشور کمکی به افزایش روابط آنها نکرده است. در این تحقیق با امعان نظر به مشترکات فرهنگی و تمدنی دو کشور به دنبال شناسایی موانع توسعه روابط خارجی آنها از منظر دیپلماسی فرهنگی می‌باشیم.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، موانع و چالش‌ها، تاجیکستان، ایران، روابط خارجی

^۱ - کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

reza8286@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیات علمی، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران: نویسنده مسئول

fazel_feizy@yahoo.com

مقدمه

ایران کشوری است که موقعیت ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ویژه‌ای در منطقه دارد و از این لحاظ کشوری بین‌المللی خوانده می‌شود. منطقه‌گرایی و همگرایی از خصیصه‌های متمایز سیاست خارجی ایران بوده است.

علیرغم پیشینه بسیار کهن و همگونی با کشور همسایه، بلاخص تاجیکستان و اشتراکات نژادی و زبانی - تاریخی و فرهنگی، با گذشت بیش از دو دهه از استقلال این کشور روابط بین دو کشور به آن درجه که منجر به گسترش مناسبات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متناسب با ظرفیت‌های دو کشور در این زمینه‌ها باشد یافت نشده است. مناسبات بازرگانی که مایه گسترش مناسبات فرهنگی است. امروزه درون کشورهای منطقه از جمله مابین این دو کشور هم زبان بسیار کمتر از ظرفیت و توان آنها است. لذا سوال مهمی که می‌توان طرح کرد این است که چرا علیرغم پیشینه مشترک و تاریخ دیرپای آنها خصوصاً تشابهات بسیار بین ایرانیان و تاجیکستان، هنوز تصور روشنی از دو کشور در عرصه اجتماعی و عمومی و فرهنگی شکل نگرفته است و سطح روابط و ارتباطات دو کشور با همه سعی و تلاشی که دولتمردان و اندیشمندان طی دهه‌های گذشته به خرج داده‌اند به حد شایسته و مورد توقع از ظرفیت‌های بالقوه بین دو کشور نرسیده است. با این وصف تحقیق حاضر با تکیه بر این پیشینه به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری تاجیکستان طی سالهای ۱۳۹۷ تا ۱۳۷۷ خواهد پرداخت.

مقاله حاضر در پی پاسخ به این سوال است که به چه دلایلی علیرغم اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان، دو کشور نتوانسته‌اند از این اشتراکات جهت توسعه روابط دو جانبه خود بهره مند شوند؟ در پاسخ به این فرضیه مطرح می‌گردد که علیرغم اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین دو کشور ایران و تاجیکستان بدلیل رویکرد متفاوت دو کشور به عنصر سیاست و نحوه حکومت داری در عرصه سیاسی و اجتماعی، در نتیجه اشتراکات فرهنگی و تمدنی بین دو کشور کمکی به افزایش روابط آنها نکرده است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است.

چارچوب نظری

برای تبیین بهتر موضوع، از چارچوب نظریه دیدگاه‌های لیبرال در روابط بین‌الملل ویژه

نظریات کارکردگرایی و نئوکارکردگرایی استفاده نموده‌ایم.

بررسی همگرایی بر اساس دیدگاه کارکردگرایی

نظریه کارکردگرایی از جمله دیدگاه‌هایی است در قالب نظریات نئولیبرال در دهه شصت توسط افرادی مانند «دیوید میتزانی» مطرح گردید. بر اساس این نظریه صلح از طریق کنار هم گذراندن واحدها به دست می‌آید. این کار توسط سازمان‌های فراملی صورت گرفته که عمدتاً به جای تسلیم حاکمیت بر سهیم شدن آن تأکید می‌ورزد. در حقیقت کارکردگرایی از نوعی راهبرد تکاملی از پایین به بالا برای ایجاد پیوندهای همکاری جویانه میان دولت‌ها پشتیبانی می‌کند. کارکردگرایان معتقدند که دیپلمات‌ها حمایت آشکار از منافع ملی کشور خویش را به قیمت منافع جمعی انسانی انجام می‌دهند. برنامه صلح کارکردگرایان به جای توجه به منافع فوری نامنی ملی، به همکاری فراملی در عرصه‌های فنی به عنوان اولین گام در این مسیر عنایت دارد. توصیه کارکردگرایان برای موفقیت و ادامه همگرایی و اجتناب از سرخوردگی و ناکامی در این راه تقبل وظایف و مسئولیت‌هایی است که بتوان از عهده آن برآمد. بنابراین می‌توان گفت که مأموریت کارکردگرایی ایجاد صلح از طریق سازماندهی لایه‌های خاص از زندگی اجتماعی انسانی است تا بدین نحو رفته رفته با برداشتن مرزهای مصنوعی بتوان روابط بین‌الملل را توسعه داد. از نظر برخی، کارکردگرایان درصدد خرد کردن خودخواهی‌های ملی نیست، بلکه در راستای بهره‌گیری از آن است. این رویکرد از حکومت‌ها نمی‌خواهد که دست از حاکمیتی بردارند که متعلق به مردمشان است، بلکه آنها امکاناتی را فراهم می‌آورند تا منفعی را که تاکنون در اختیار مردم نبوده از آن برخوردار شوند. بر اساس این تحلیل کارکردگرایی به دنبال تفهیم این مطلب است که ملزومات اساسی برای صلح این است که دولت‌ها برای تعقیب منافع ملی که با منافع سایرین مصادف باشد همکاری کنند نه آنکه در مورد منافع ملی که در تعارض با سایر دولت‌هاست مصالحه نمایند. بدین ترتیب کارکردگرایی در تلاش است تا بیشتر بر حوزه‌های وحدت میان مردم و دولت‌ها تأکید داشته باشد تا موارد عدم وحدت، تحت این شرایط کارکردگرایان بر این باورند که در زمینه‌های مزبور نوعی هماهنگی طبیعی منافع وجود دارد. دیوید میتزانی بر این باور بود که علی‌الاصول میان فدرالیسم که اسیر قانونمندی‌ها و ملاحظات سهیم شدن در قدرت است و کارکردگرایی که به تمهیداتی برای نیازهای مشترک می‌اندیشد، تعارضاتی وجود دارد. او معتقد بود که مباحث امروزی در روابط بین‌الملل به نفع فراملی‌گرایی و وابستگی متقابل

است. کارکردگرایان بر این نظرند که وفاداری‌ها می‌تواند از دولتها به سازمان‌های کارکردی جدید منتقل شوند، این وضعیت به این دلیل اتفاق می‌افتد که مردم ملاحظه کنند که اینک فراهم کردن کالاها و خدمات به میزان قابل توجهی به همکاری فراملی بستگی دارد و مردم به این نتیجه می‌رسند که منافع آنها به بهترین وجه می‌تواند از طریق ترقیبات نوین تأمین گردد. بر پایه این تحلیل هنگامی که دولتها در وابستگی متقابل بیشتر به سر می‌برند، آنگاه بر آنها بسیار دشوار خواهد بود که خود را از چنین ترتیباتی خارج کنند؛ زیرا بیرون ماندن از اتحادها رفته رفته هزینه‌های سنگینی را بر دوش آنها خواهد گذاشت. در این راستا کارکردگرایان موضوع گسترش همگرایی را مطرح می‌سازند. (قوام، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۳۳)

نو کارکردگرایی و همگرایی در سیاست بین‌الملل

نوکارکردگرایی شکل جدیدی از کارکردگرایی است. در واقع هر دو نظریه بر مبنای این دیدگاه استوار هستند که همگرایی به بهترین وجه از حوزه‌های مربوط در منافع همپوش و مشترک و به صورت تدریجی آغاز می‌شود که به این نوع برخورد گاه رویکرد «بخشی» گفته می‌شود. موضوع محوری در نو کارکردگرایی این است که هنگامی که همگرایی آغاز شد هم‌گرایی بخشی رفته رفته به سایر حوزه‌های هم ریشه هم خانواده خود، به خصوص در حوزه‌های موضوعی که سطح بالای وابستگی متقابل وجود داشته باشد و یا به صورت بالقوه از این موقعیت برخوردار باشند، تسری می‌یابد.

رویکرد نوکارکردگرایی به میزان قابل توجهی مرهون کارهای «ارنست هاس» است. وی معتقد بود که تحقیق فرایند کارکردگرایی در مناطقی مثل اروپای غربی ویژه در سایه تاریخ و ارزش‌های مشترک دموکراتیک بعد از سال ۱۹۴۵ میسر است. برخلاف نظر میترانی وی بر این باور بود که بسیار دشوار است که مسائل فنی را از مسائل سیاسی تفکیک کرد یا از تعارض میان دولتها در مسیری که منافع حاصل از همکاری به صورت نامساوی میان آنها توزیع شود، اجتناب ورزید. اصولاً نو کارکردگرایان انتظار دارند که سیاست در سطح فوق ملی به مشابه سطح ملی باشد. بر این اساس در هر دو سطح ما با مفاهیم کثرت‌گرایی سروکار داریم. (همان: ۱۴۱-۳۳)

شاخص‌های تحقق دیپلماسی فرهنگی ایران

به نظر می‌رسد در جهت توسعه دیپلماسی فرهنگی دو کشور شاخص‌های ذیل ذکر برای بهبود مناسبات سیاسی و فرهنگی دو کشور لازم می‌باشد که در ذیل به برخی از آنها اشاره

اشاره می‌نمایم:

الف) تاکید بر عناصر مشترک با قرابت‌های فرهنگی (شامل حوزه تمدنی، حوزه جغرافیایی که نوروز زبان فارسی نمونه‌های از حلقه اتصال فرهنگی ایران در منطقه‌اند، ایجاد گفت‌وگوهای عدالت محور و صلح طلب، گسترش گفتگوی سازنده با ادیان و مکاتب جهان).

ب) توجه به جغرافیای فرهنگی ایران در حوزه تمدن ایران اسلامی برای برنامه ریزی فرهنگی در جهت غلبه بر چالش‌های فرهنگی و تمدنی رقیب.

ت) امکان برخورداری از تکنولوژی و ارتباطات به عنوان سلاح موثر فرهنگی در جهت گسترش فرهنگ ملی - اسلامی ایران.

پ) فرهنگ مکتوب - رادیو و تلویزیون - سینما - موسیقی - ادبیات - میراث فرهنگی.

ایران و تاجیکستان دو کشور هم زبان و هم فرهنگ دارای پیوندهای تاریخی و سنت‌های استوار و زبان مشترک پارسی هستند که یکی از نمودهای همگرایی است. (صالح امیری و محمدی، ۱۳۹۲: ۳۹۳-۳۹۶)

از منظر تاریخی، مردم ایران و تاجیکستان در سیستم مشترک المنافع هخامنشی، پارتی، ساسانی در دوران پیش از اسلام و در زمان خلافت عباسی در امپراطوری‌های ایرانی و ترکی، سامانی، سلجوقی، غزنوی و تا همین اواخر در امپراطوری صفوی، تجربه‌ای طولانی در کنار هم دارند و دارای سرگذشت تاریخی مشترکی هستند و پیوندهای دیرین و ناگسستنی بین آنها برقرار بوده، به طوری که می‌توان ادعا نمود که هیچ یک از کشورهایی که امروزه صحنه گردان آسیای مرکزی‌اند، قدمت پیوند ایران با این کشورها را ندارند. پیوندهای تاریخی این دو کشور، پدیده‌ای است دیرین به عمر طول تاریخ منطقه و فراتر از آن؛ یعنی دوران پیش از تاریخ به شهادت مدارک باستان شناسی و پژوهش‌های مردم شناسی و اسناد بی شمار تاریخی. (مجتهد زاده، ۱۳۷۶)

سیر تحول روابط دو کشور ایران و تاجیکستان

با امعان نظر به آغاز مناسبات سیاسی و فرهنگی دو کشور ایران و جمهوری تاجیکستان چهار دوره ذیل در روابط خارجی آنها قابل شناسایی می‌باشد:

۱- دوره اول مقارن با اوایل استقلال در سال ۱۹۹۱ که تاجیک‌ها در اوایل آشنایی با دنیای خارج سرشار از شوق و احساس نسبت به ایران و ایرانی بودند.

۲- دوره دوم، دوران جنگ‌های داخلی (۱۹۹۷-۱۹۹۲) قلمداد می‌شود که تلاش دو کشور بر پایان بخشیدن به درگیری‌ها و مهار بحران متمرکز بود. که ایران تلاش‌های فراوانی برای میانجیگری و پایان دادن به درگیری‌ها انجام داد که نمود آن برگزاری مذاکرات صلح دولت تاجیکستان و مخالفان در تهران بود.

۳- دوره سوم (۲۰۰۰-۱۹۹۷) دوره برقراری آشتی ملی و تثبیت صلح در تاجیکستان بود.

۴- دوره چهارم (۲۰۱۵ - ۲۰۰۰) دوره شروع جدی و شکوفایی روابط اقتصادی می‌باشد که با اجرای پروژه‌های اساسی مانند حفر و احداث تونل استقلال و آغاز عملیات ساخت سد و نیروگاه سنگ‌توده و فعالیت شرکت‌ها، تجار و سرمایه‌گذاران ایرانی در تاجیکستان همراه بود. (tajikistan.mfa.gov.ir)

دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی

پس از پایان جنگ عراق و ایران و رهایی ایران از فشارهای جنگ و به ویژه پس از فروپاشی شوروی نگاه فرهنگی در سیاست خارجی ایران جلوه بیشتری یافت و بیشتر متوجه آسیای مرکزی شد.

گام نخست در اجرای سیاست خارجی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی پس از سقوط شوروی در مقطع ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی برداشته شد. این گام دارای رویکرد فرهنگی اقتصادی بود یعنی تلاش می‌کرد که از پتانسیل‌های فرهنگی ایران در منطقه سود ببرد و فضای اقتصادی را بهبود بخشد تا از آن نتایج در بین کشورهای آسیای میانه، نگاه سیاستمداران ایران در حوزه با رویکرد فرهنگی به ویژه در مورد تاجیکستان عملی شد. (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۰: ۳۸)

برنامه چهارم و پنجم توسعه و اصولی از قانون اساسی و سایر مصوبات مجلس شورای اسلامی راهنمای خوبی برای مجریان و سیاست‌گذاران خارجی برای بهره‌مندی از عنصر فرهنگ در اجرای سیاست خارجی است.

اصول قانون اساسی از جمله اصل ۳۳ در مورد همکاری با کشورهای مسلمان مهمترین راهنما-ست. همچنین مواد ۴۲ و برنامه‌های توسعه که به تقویت و تعامل فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی با جهان به ویژه حوزه تمدن اسلامی ایران توجه دارد.

دوره سیاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

در دوره خاتمی رویکرد گفتگوی فرهنگی - تمدنی در دو سطح دولتی و غیردولتی به شکل رویکرد نزدیکی به همسایگان براساس پتانسیل‌های نزدیکی مثل فرهنگ، دین، تمدن و همسایگی

و سطح غیردولتی که به شکل برگزاری نمایشگاه‌های مختلف، ساخت فیلم و سریال، همایش‌های غیر دولتی و نشست نخبگان مطرح شد.

در این مقطع ایران کوشید از همپوشانی‌های فرهنگی در جهت کاهش فشارهای روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی سود ببرد و از فرهنگ و روابط فرهنگی برای ثبات و صلح در منطقه تثبیت موقعیت تاجیکستان و کاهش مشکلات سیاست خارجی کمک بگیرد. در این مقطع ایران از قربات‌های فرهنگی و تمدنی با تاجیکستان سود برد تا به تبیین و اجرای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی بپردازد. (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۸۵)

در این دوره نگاه مثبت غرب به تحرکات فرهنگی ایران در تاجیکستان و وجود ثبات در داخل تاجیکستان کمک کردند که روابط دو کشور فراز و نشیب نداشته باشد. در این دوره تلاش ایران برای نشان دادن چهره‌ای مسالمت آمیز از انقلاب و دور کردن تاجیک‌ها از نگرانی‌های ایدئولوژیکی شان متمرکز گردید. (همان)

دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)

در مقطع ریاست جمهوری احمدی نژاد هم، عنصر فرهنگ همچنان نقش آفرین بوده است. گرچه گفتمان هر دوره متفاوت است. در این مقطع فرهنگ در خدمت نگرش امنیتی و ضد غربی در آسیای مرکزی است. یعنی ایران می‌کوشد با کمک فرهنگ به تقابل با اسرائیل و آمریکا بپردازد. در این مقطع شاهد فعال شدن نهادهای دولتی در این حوزه مثل کمیته امداد، صدا و سیما، و وزارت ارشاد هستیم. مهمترین رویکردی که دولت احمدی نژاد دنبال کرد، این بود که ایشان می‌گفتند رویکرد و سیاست ایران در بحث سیاست خارجی باید از یک سیاست تدافعی به یک سیاست تدافعی - تهاجمی تبدیل شود. (محمودی، ۱۳۸۶)

دوره ریاست جمهوری روحانی (۱۳۹۷ - ۱۳۹۲)

روابط ایران و تاجیکستان از دسامبر ۲۰۱۵ رو به تیرگی گذاشت، این تغییر روابط پس از آن بود که محیی الدین کبیری به کنفرانسی تحت نام جنبش مذهبی اسلامی که در ۲۷ تا ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ در تهران برگزار می‌شد دعوت شده بود. (www.css.ir) تاجیکستان بلافاصله یک یادداشت اعتراضی به ایران تسلیم کرد. وزارت خارجه تاجیکستان سفیر ایران در دوشنبه را احضار کرد تا ابراز تاسف خود را از این اقدام اعلام کند و رئیس علمای تاجیکستان این دعوت از محیی الدین کبیری را تشویق به تروریزم خواند. (همان) در این بین از یک سو حساسیت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نسبت به توسعه روابط ایران و تاجیکستان به

گونه‌ای است که دیدگاه مثبتی به افزایش فعالیت ایران در تاجیکستان وجود نداشته است. همین دامنه نفوذ بازیگران مختلف را بیشتر کرده و فضا و روند کلی روابط ایران و تاجیکستان را عملاً در حالتی از سردی رو به افزایش قرار داده است. چنانچه در اجلاس سال ۱۳۹۷ سازمان همکاری شانگهای، مخالفت دوشنبه با عضویت ایران سبب شد این موضوع در دستور کار اجلاس قرار نگیرد. هم‌راستا با این روند، عربستان سعودی نیز از یک سو از سردی روز افزون روابط تهران-دوشنبه استفاده کرده و از سوی دیگر خود بر سردی پیش از پیش دامن زده. ریاض تلاش کرده ضمن بهره‌گیری از ضعف اقتصادی تاجیکستان، از طریق اعطای کمک‌های مالی به این کشور و دیگر انواع ارتباطات اقتصادی به توسعه روابط با این کشور اقدام کند. (www.css.ir)

روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری تاجیکستان

با توجه به اینکه تاجیکستان محصور در خشکی است، موقعیت جغرافیایی ایران امکان دسترسی آن را به دریای آزاد می‌تواند فراهم سازد. (مجتهد زاده، ۱۳۷۶: ۳۲) به عبارت دیگر تاجیکستان از طریق ایران می‌تواند به اروپا ارتباط پیدا کند و با استفاده از بنادر ایران به خلیج فارس و نقاط دیگر جهان دسترسی پیدا کند. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۱-۱۵) علاوه بر این بر-خورداری ایران از منابع انرژی برای تولید کالاهای واسطه‌ای و یا مصرفی است که باعث شده تا نسبت به سایر کشورها از مزیت قابل توجهی برخوردار باشد و تجربه و مهارت‌های فنی ایران در زمینه اکتشاف، تولید و پالایش نفت و گاز و سدسازی برای تاجیکستان بسیار سودمند است. (فولر، ۱۳۹۲: ۸) و عکس آن نیز این است که تاجیکستان در کشور ایران از امتیازات فراوانی بهره‌مند است، که عبارتند از:

- تاجیکستان مهمترین تولیدکننده آلومینیوم و یکی از تولیدکنندگان مهم نخ پنبه در منطقه آسیای مرکزی است و در مقابل ایران واردکننده هر دوی این محصولات است. همچنین صادرات میوه تاجیکستان به ایران می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب و قابل گسترش همکاری باشد.
- تاجیکستان دروازه ورود محصولات و تکنولوژی ایرانی به بازارهای آسیای مرکزی است. زیرا این کشور در نقطه‌ای قرار دارد که در صورت استفاده از راه‌های زمینی می‌تواند ایران را با چین، قزاقستان، و شرق روسیه متصل کند.
- تاجیکستان طبق محاسبات آماری در صورت استفاده بهینه از منابع انرژی خود می‌تواند تا ۹۰ میلیارد کیلو وات ساعت انرژی برق در سال تولید کند که این میزان تنها نیمی از نیاز

داخلی آن است. در مقابل نیاز به نیروی برق در ایران به نحو فزاینده‌ای در حال افزایش است و تاجیکستان می‌تواند در آینده صادر کننده نیروی برق به ایران باشد.

- بوجه ایران به تبع افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد که بهترین راه استفاده از این سرمایه به جریان انداختن آن در پروژه‌های پرسود داخلی و خارجی برای باز تولید آن است. مثلاً: نیروگاه برق آبی سنگ توده ۲، طبق توافق طرفین درآمدش به مدت ۱۲/۵ سال از آن ایران بوده و سپس در اختیار تاجیکستان قرار خواهد گرفت.

- تاجیکستان و ایران با چند تهدید مشترک رو به رو هستند، که مهمترین آنها: قاچاق مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی است. وقتی تهدید مشترک است، پس موفقیت هر دو کشور در مبارزه با آن موفقیت دیگری را در پی خواهد داشت. (تهرانی، ۱۳۸۸)

حجم مبادلات تجاری ایران و تاجیکستان

سال	حجم کل	صادرات	واردات
۲۰۱۴	۲۲۸ میلیون هزار دلار	۱۶۴ میلیون هزار دلار	۶۳ میلیون ۹۵۸ هزار دلار
۲۰۱۵	۱۸۳ میلیون هزار دلار	۱۲۴ میلیون ۵۰۷ هزار دلار	۵۹ میلیون ۸۷۳ هزار دلار
۲۰۱۶	۱۰۲ میلیون هزار دلار	۶۷ میلیون ۱۰۲ هزار دلار	۳۴ میلیون ۹۷۷ هزار دلار
۲۰۱۷	۹۱ میلیون هزار دلار	۶۱ میلیون ۴۴۲ هزار دلار	۳۰ میلیون ۳۹۹ هزار دلار

(www.Irica.gov.ir)

روابط فرهنگی و اجتماعی ایران و تاجیکستان

اگر چه ایران و جمهوری تاجیکستان دارای اشتراکات فرهنگی-زبانی تقریباً یکسان هستند با این حال این اشتراکات به دلایل مختلفی باعث توسعه روابط دو کشور نگردیده است. تقابل اسلام شیعی و نیز انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چهارچوب نظام سکولار تاجیکستان، تبلیغات وسیع ضد ایرانی از سوی قدرت فرامنطقه‌ای چون آمریکا را باید از مهمترین عوامل واگرایی ایران و تاجیکستان در حوزه فرهنگی به شمار آورد. نکته قابل توجه آن است که کشور تاجیکستان پس از استقلال، دچار نوعی بحران هویت و مشروعیت گردیده و در مرحله گذار از «ملت سازی» و «دولت سازی» می‌باشد از این رو، برای جبران خلاهای موجود، دست به

تاریخ سازی می‌زند تا هویتی جدید و مستقل از خود به کشورهای منطقه و جهان ارائه دهد. از این رو به منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود و کاستن از عوامل تنش‌زا در حوزه فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، نیازمند برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و انتخاب استراتژی تساهل و تعقل با تکیه بر تقویت فرهنگ ایرانی-اسلامی در تنظیم روابط بین‌حکومتی در سیاست خارجی است. (محمودی، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۵) تعیین نقش میراث فرهنگی ایرانی-اسلامی و تقابل آن با ناسیونالیسم ملی و چالش‌های ناشی از رقابت فرهنگی غربی با فرهنگ ایرانی-اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تعمیق مناسبات ایران با کشور تاجیکستان در حوزه فرهنگی که فراهم‌کننده زمینه تعامل جدی در سایر حوزه‌هاست. منوط به شناسایی مولفه‌های مشترک فرهنگی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان از قبیل مشترکات زبانی، دینی، تاریخی و میراث فرهنگی و درک مولفه‌های تهدیدکننده این اشتراکات فرهنگی همچون اسلام‌گرایی افراطی و قوم‌گرایی خواهد بود. (ابوالحسن شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۹۴-۲۸۹)

نقاط ضعف دیپلماسی فرهنگی ایران در منطقه آسیای میانه

دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای میانه با وجود نقاط قوتی که دارد به برخی ابعاد توجه کمی داشته است. این ضعف‌ها هم در رویکرد دیپلماسی فرهنگی و هم به دنبال آن در به‌کارگیری ابزارهای مطلوب مشهود هستند که شامل:

۱- ضعف در رویکرد: رویکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای میانه، مقطعی و معطوف به بازدهی کوتاه مدت بوده است. این رویکرد باعث شده به‌تأثیر و نقش دیپلماسی فرهنگی در ساختن و بازنمایی هویت‌ها، انگاره‌ها و تصورها کمتر توجه شود؛ زیرا هویت‌سازی، تغییر هویت یا بازنمایی و تکامل آن امری زمان‌بر و نیازمند رویکرد بلندمدت و یکپارچه است. بی‌توجهی به رویکرد بلندمدت و توجه کافی نداشتن به هویت‌سازی و انگاره‌سازی موجب شده، اختلافات کوچک سیاسی و فرهنگی تأثیر شگرفی بر روابط ایران و کشورهای آسیای میانه داشته باشد.

۲- ضعف در به‌کارگیری ابزارها: ضعف رویکرد دیپلماسی فرهنگی به نبودن توجه کافی به ابزارهای نوین و تأثیرگذار بر هویت، انگاره‌ها در این دیپلماسی منجر شده است. جهانی شدن و گسترش روابط بین‌جوامع انسانی (نسبت به ارتباط‌های دولتی و رسمی) ضرورت به‌کارگیری

ابزارهای نوین مرتبط به فضای مجازی وانگاره سازی مانند رسانه‌ها، سینما و گردشگری را دو چندان کرده است. (tajikistan.mfa.gov.ir)

فرصت‌های پیش روی دو کشور ایران و تاجیکستان

متداول‌ترین تعریف از ایران توضیح ساده حیطه جغرافیایی ایران است که کشوری است با یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع وسعت که در شمال آن دریای مازندران و جنوب آن خلیج فارس که با چندین کشور در شرق و غرب خود همسایه می‌باشد. در کنار این تعریف در دو حوزه فرهنگی و جغرافیایی نیز تعریف‌هایی از ایران وجود دارد و در تعریف جغرافیایی ایران یا فلات ایران مجموعه‌ای از کشورهاست که از شمال پاکستان تا افغانستان و بخشی از هند، چین و آسیای مرکزی و بخشی از ترکیه و آذربایجان و ارمنستان را شامل می‌شود. این فلات دارای ویژگی‌های جغرافیایی و آب و هوایی مشخص است که آن را از بقیه مناطق جدا کرده است. دومین تعبیر از ایران فرهنگی می‌باشد. یعنی تعریف از منطقه‌ای است که آثار نفوذ فرهنگی ایران قوی‌تر و شدیدتر بوده و امروزه نیز کم و بیش آثار آن مشهود است. طبق این تعریف بخش‌هایی از چین، هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، قسمت‌هایی از روسیه، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان و بخشی از ترکیه جزء ایران فرهنگی است. یک تعریف دیگر از ایران که تعریفی ایدئولوژیکی است. یعنی ایران به عنوان کشوری از قلب خاورمیانه، دارای دو بال فرهنگی و ایدئولوژیکی است. بال فرهنگی آن تا غرب چین ادامه دارد و شامل تمام کشورهای می‌شود که در زیر مجموعه زبان فارسی قرار دارند و بال ایدئولوژی آن در غرب آن شامل عراق، سوریه، لبنان و فلسطین می‌شود. ایران با این دو بال کشوری فرامنطقه‌ای است و رفتارهایش آثار فرامنطقه‌ای دارد که اگر ایران بال شمال غربی خود را که شامل منطقه قفقاز و ترکیه و مناطقی از آسیا میانه می‌شود را فعال سازد، قطعاً به کشوری بزرگ و تاثیرگذار در جهان تبدیل خواهد شد. آسیای مرکزی از ایران تاثیر می‌پذیرد و دارای ویژگی‌هایی است که فضا را برای تحرک سیاست خارجی ایران فعال می‌سازد. منطقه آسیای میانه که مردمان آن به فارسی در بخش‌هایی از ازبکستان و تاجیکستان و افغانستان سخن می‌گویند و دارای فرهنگ و تمدن‌های هویتی مشترک می‌باشند، فضای لازم را به ایران می‌دهد که بتواند با توجه به عضویت اکثر این کشورها که عضو پیمان شانگهای می‌باشند و ایران عضو ناظر حضور فعال‌تری در این منطقه داشته باشد. البته دیدگاهی در خصوص ایران مطرح

است و این اعتقاد را دارد که ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را به کشوری منحصر به فرد در منطقه تبدیل کرده و به دلیل همین شرایط، امکان اتحاد یا همراهی با هیچ یک از همسایگان را ندارد و مجبور است خود به دنبال محیا سازی شرایط برای خویش باشد. این دیدگاه معتقد است ایرانیان به دلیل مذهب تشیع و زبان فارسی، مشکلاتی با همسایگان‌شان دارند. شرایط خاص ایران در بین مسلمانان که اکثریت دارای مذهب تسنن و عرب زبان هستند، سیاست خارجی ایران را وادار می‌کند تا همواره به دنبال آن باشد، که خود به تنهایی از پس مشکلات برآید. معتقد است شاید تنها منطقه‌ای که ایران کمترین تنش را با آن دارد آسیای مرکزی است که شرایط برای بهره برداری ایران مناسب است. بر اساس این نظریه ایرانیان در جهان اسلام ممکن است مورد توجه باشد ولی هرگونه تحرک دیپلماسی ایران برای اتحاد و ایجاد مشترکات فرهنگی بر پایه اسلام از طرف عده‌ای از متعصبان عرب و جهان تسنن به واسطه شیعه بودن و زبان فارسی ایرانیان با مشکلاتی همراه می‌باشد ولی در منطقه آسیای میانه به ویژه تاجیکستان تمدن مشترک و زبان فارسی و عدم گسترش رادیکالیسم اسلامی می‌تواند به دستاوردهای بزرگی رسید. با در نظر گرفتن عوامل فوق ایران و تاجیکستان می‌توانند با تکیه بر زبان مشترک فارسی و توسعه ادبیات شعر و هنر و استفاده از نوابغی تاریخی همچون رودکی و فردوسی که باعث علایق مشترک فرهنگی می‌شوند، روابط خارجی خود را بر بنیانی استوار بنا نهاد. اشتراکات عمیق و کهن تمدن فارسی همچون نوروز و برقراری کنفرانس‌ها و سمینار-های فرهنگی همچنین تبادل هیئت‌های علمی و پژوهشی قطعاً به تعمیق روابط سیاسی منجر خواهد شد که در این میان دانشگاه‌های دو کشور با پشتوانه رسانه‌ها نقش عمده را به عهده خواهد داشت. (tajikistan.mfa.gov.ir)

موانع و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی روابط مشترک دو کشور فارسی زبان

موانع و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در جهت توسعه روابط بین دو کشور ایران و تاجیکستان عبارتند از:

- ۱- فقر مالی و اقتصادی کشور تاجیکستان و بدهی‌های خارجی و سرمایه گذاری غربی‌ها به جهت وجود کارگر ارزان و جذب مردم به هدف سوق کشور به فرهنگ و زندگی غربی در یک دور نمای کلی.
- ۲- تبلیغات مسیحیان در این کشور مخصوصاً در سغد

- ۳- ایجاد اختلافات عقیدتی بین اهل تسنن و شیعه
- ۴- درگیری‌های سیاسی و افزایش احزاب سیاسی و وابستگی مادی آنها به خارج از مرزها.
- ۵- تشویق به کتابت غیر فارسی و تشویق برخی احزاب به تقویت این مهم و اشاعه زبان تاجیکی به جای زبان فارسی.
- ۶- جدا کردن زبان مردم کشور تاجیکستان از فارسی ایران و ثبت و معرفی زبان تاجیکی به عنوان زبان تاجیکستان و ایجاد تغییرات در آن.
- ۷- وضعیت ژئوپلیتیکی تاجیکستان در بین کشورهای روس و ترک زبان و وجود ناسیونالیسم روس و ترک.
- ۸- سرمایه‌گذاری فرهنگی غرب در بخش موسیقی از فراسوی مرزها با جاذبه‌های سرمایه داری.
- ۹- نشان دادن علاقه کلیسا به موسیقی با توجه به علاقه مردم تاجیکستان به موسیقی و رقص فارسی و اشاعه مخالفت اسلام با موسیقی. (رحمان، ۱۳۸۷)

نتیجه‌گیری

- با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که اتخاذ راهکارهای ذیل در جهت توسعه روابط فرهنگی و اجتماعی دو کشور مناسب باشد.
- ۱- دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای: ایران باید تلاش کند که از طریق رسانه و دیپلماسی عمومی، سنت‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را به الگوها و ارزش‌های مردم کشورهای آسیای میانه به خصوص تاجیکستان نزدیک کند.
 - ۲- استفاده از سایبر دیپلماسی: توسعه سطح اطلاع رسانی دیجیتالی فعالیت‌های دولتی تحت وب، ارتقای ضریب نفوذ دیپلماسی ایران در رسانه‌های جهان، توسعه بدنه دولت الکترونیک کشور در حوزه بین‌المللی، فعال شدن حوزه عملکرد دولت در فضای دیجیتالی جهانی و تقویت سازمان‌های دیجیتالی خصوصی از جمله فواید سایبر دیپلماسی است. (مرادی، ۱۳۹۳، به نقل از کشاورز شگری و همکاران، ۱۳۹۲)
 - ۳- تقویت محافل و تبادل علمی و دانشگاهی فراملی: محافل علمی از جمله بخش‌هایی است که از طریق برگزاری همایش، پذیرش دانشجوی، شرکت در همایش‌های بین‌المللی، چاپ

کتاب و نشریه می‌تواند نقش موثری در دیپلماسی فرهنگی ایران و آسیای میانه و تصویر سازی ایفا کند.

۴- افزایش ظرفیت پذیرش گردشگر و جذب مهاجر خارجی.

۵- ایجاد مراکز فرهنگی در خارج از کشور: ایران می‌تواند با ایجاد نمایشگاه‌ها، گالری‌ها، موزه‌ها و کارگاه‌های فرهنگی در ایجاد تصویری مطلوب از هویت ایران و ایرانی در اذهان مردم کشورهای آسیای میانه بالاخص تاجیکستان اعمال نفوذ بر آنها و تکامل هویت آنها نقش مهمی داشته باشد.

۶- تقویت سینما و محصولات فرهنگی دیگر.

منابع فارسی

کتاب

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۷۰)، ملیت‌های آسیای میانه، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶)، متغیرها و شاخص‌های ارتباطات بین‌المللی فرهنگی، در مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی، رویکرد ایرانی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
- حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، محمدرضا مجیدی (۱۳۸۲)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، نشر قومس
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر علمی و فرهنگی کتیبه، تهران
- (۱۳۸۹) قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ چهارم، نشر دانشگاه امام صادق، تهران
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، رویکردها و نظریه‌ها، گفتار دوم، خط اصلی فکری و نظری روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت
- موسوی، سیدرسول (۱۳۸۲)، صلح تاجیکستان به روایت اسناد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه

مقالات

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی: ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق^(ع) شماره ۲۱
- تهرانی، نسیم (۱۳۸۸)، فرصت‌های همکاری در روابط ایران و تاجیکستان، مجله مطالعات ایران و اوراسیا، شماره دهم
- رحمانی، محمد (۱۳۸۷)، بررسی مشترکات جغرافیای تاریخی فرهنگی، اجتماعی کشورهای ایران و تاجیکستان، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۳ دوره، شماره ۶

- عباس کشاورز شکری، محسن بیات و خاطره بخشنده (۱۳۹۲)، دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین، مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال چهاردهم، پاییز، شماره ۲۳

- نای، جوزف (۱۳۸۲)، قدرت نرم، ترجمه محمودحسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹ - مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۶)، جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۲۰

- محمودی، مرتضی (۱۳۹۶)، آسیای مرکزی و رشد همکاری‌های چندجانبه ایران و تاجیکستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، شماره ۵۸

خبرگزاری

- رئیسی، بهروز (۱۳۹۴)، ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان، فصلنامه علوم خبری، شماره ۱۵، «روابط سیاسی ایران و تاجیکستان»، قابل دریافت در سایت خبری سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان

Site

- tajikistan.mfa.gov.ir
- www.CSS.IR
- www.Irica.gov.ir